

صحيفة الحسن عليه السلام

[237] ساخت، ودینش را یاری نمود و سخنش را تصدیق کرد، و در تمامی این موارد پیامبر از او راضی و بر تو خشمگین بود. آنگاه شما را بخدا سوگند، آیا می دانید که پیامبر بنی قریظه و بنی نضیر را محاصره کرده بود، آنگاه در حالیکه عمر بن خطاب پرچم مهاجرین و سعد بن معاذ پرچم انصار را بدست داشت آنان را به سوی جنگ فرستاد، سعد بن معاذ به سوی میدان جنگ رفت و مجروح برگردانده شد، و اما عمر فرار کرد و برگشت در حالیکه اصحابش را می ترساند و اصحابش او را می ترساندند، پیامبر فرمود: فردا پرچم را به دست کسی می دهم که خدا ورسولش را دوست داشته و خدا ورسول او را دوست دارند، حمله کننده بود و فرار نمی کند، آنگاه باز نمی گردد مگر آنکه خداوند پیروزی را به دستش محقق سازد. ابو بکر و عمر و دیگر مهاجرین و انصار خودشان به پیامبر عرضه می کردند تا به آن عنوان انتخاب شوند، و علی علیه السلام آن روز بیمار بود و چشمانش درد می کرد، پیامبر او را نزد خود خواند و در چشمهایش آب دهان ریخت و آن حضرت سالم گردید، و پیامبر پرچم را به او داد، و بازنگشت تا اینکه به یاری الهی پیروزی را بدست آورد، و تو آن روز در
